

از ۱۶ آذر تا ۱۸ تیر!

(به مناسبت روز دانش جو)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، به عنوان روز دانش جو، در کارنامه سیاه رژیم سلطنتی ثبت شده است. هم‌چنان که ۱۸ تیر ۱۳۷۸، به عنوان یک روز خونین در کارنامه رژیم جمهوری اسلامی، می‌توان نام برد.

در این روزها، مامورین رژیم دیکتاتورهای سلطنتی و اسلامی، به طور وحشیانه به حریم دانشگاه تجاوز کردند و دانش‌جویان را به خاک و خون کشیدند.

هم‌اکنون در مقطع سالگرد کشتار وحشیانه دانش‌جویان در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۳۲، مقامات رژیم جمهوری اسلامی، دانش‌جویان و مردم معترض را با مستقر کردن نیروهای بسیج، انتظامی و یگان‌های ویژه در خیابان‌ها و میادین شهرها، تهدید می‌کنند و با ایجاد رعب و وحشت، از اعتراض گسترده کارگران، ستم‌دیدگان، دانش‌جویان و جوانان جلوگیری کنند.

شورای عالی کار رژیم، اعلام کرد که تظاهرات کارگران را در روز ۱۶ آذر، رسماً لغو کرده‌اند. تعدادی از فعالین حرکت‌های اخیر دانش‌جویی به دادگاه‌ها احضار شده‌اند و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.

علی باقری، مدیرکل سیاسی وزارت کشور و دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، پس از نشست این کمیسیون اعلام کرد که کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، با تقاضای راهپیمایی خانه کارگر در روز ۱۶ آذر ماه ۱۳۸۱، مخالفت کرده است. باقری، دلیل این مخالفت را عدم وجود تناسب میان ۱۶ آذر، روز دانش جو، و زمینه‌های درخواست کارگران اعلام کرد و تاکید نمود که دلیل دیگر مخالفت با درخواست خانه کارگر، سابقه این تشکل در برگزاری تجمعات است. این تشکل به تعهدات خود در برگزاری تجمعات عمل نکرده است.

در واقع کارگران اگر به فراخوان خانه کارگر به خیابان‌ها می‌آیند اما، در طرح شعارها و ادامه تظاهرات خود، به قید و بندهای خانه کارگر، به عنوان ارگان رژیم در درون جنبش خود، اهمیتی نمی‌دهند.

همچنین بنا به گزارش سایت «رویداد»، وابسته به جناح «دوم خرداد» رژیم، «اخیراً در برخی

جلسات عالی کشور که چهره‌های اصلی هر دو جناح عمده سیاسی حضور دارند، انتقادهای شدیدی به عملکرد نیروی انتظامی و وزارت علوم صورت می‌گیرد... در این باره، منابع پارلمانی روز سه‌شنبه گفتند: در جلسه‌ای که با حضور رییس جمهوری، وزیر اطلاعات و تعدادی از مسئولان تشکیل شده، یکی از حاضرین به انتقاد از عملکرد نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات در تجمعات اخیر پرداخته و مدعی شده که این دستگاه‌ها قادر به برخورد با تشنجات دانشجویی نیستند. وی هشدار داده است که در صورت تداوم وضعیت کنونی «قرارگاه ثارالله سپاه» برای تامین امنیت به جای این نیروها وارد عمل می‌شود که با مخالفت وزیر اطلاعات روبه‌رو شده است».

دلیل این مخالفت‌ها با برگزاری تظاهرات کارگران و دانش‌جویان در روز ۱۶ آذر روز دانش‌جو، پیام روشنی دارد، یعنی کارگران، به عنوان یکی از طبقه اصلی جامعه به میدان آمده است تا با حمایت از جنبش دانش‌جویی، نقش رهبری طبقاتی خود را ایفا کند و نگذارد جمهوری اسلامی، به راحتی به قلع و قمع دانش‌جویان معترض دست بزند. بعلاوه شعارهای دانش‌جویان نسبت به گذشته رادیکال‌تر است. هنگامی که دانش‌جویان علیه هر دو جناح رژیم، موضع می‌گیرند و شعار «رهبر برو گم شو!»، سر می‌دهند، ارکان اصلی نظام را زیر سؤال می‌برند. دانش‌جویان همچنین علیه خاتمی و رفسنجانی نیز شعار می‌دهند. بنابراین طبیعی است که رژیم، از یک طرف مانع پیوند جنبش دانش‌جویی با جنبش کارگری شود و از طرف دیگر آگاه است که این‌بار ارگان‌های دست‌ساخته رژیم، مانند «دفتر تحکیم وحدت» و یا دیگر فرقه‌های «دوم خرداد»، کنترل چندان بر حرکت‌های دانش‌جویی ندارند. همچنین دانش‌جویان، با شکنجه و اعدام و زندان‌های سیاسی به مخالفت برخاسته‌اند. مسلم است که حرکت اخیر دانش‌جویان و شعارهای آنان برای سردمداران هر دو جناح رژیم، خوش‌آیند نیست.

اما علی‌رغم همه این تهدیدات و بگیر و بندها، دانش‌جویان، با حمایت کارگران و مردم آزادی‌خواه عزم کرده‌اند که روز ۱۶ آذر را به روز اعتراضی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، مبدل سازند. در خارج کشور نیز، آکسیون‌های مختلفی از سوی نیروهای کمونیست و چپ و سرنگونی طلب و آزادی‌خواه، بر علیه رژیم جمهوری اسلامی برگزار می‌شود.

دانش‌جویان دانشکده فنی دانشگاه تهران، اعلام کرده‌اند که روز شنبه ۱۶ آذر ۱۳۸۱ (۷ دسامبر ۲۰۰۲)، ساعت ۱۳ الی ۱۵، در مقابل این دانشکده تجمع خواهند کرد. برخی از شعارهای دانش‌جویان این دانشکده عبارتند از: ۱- مبارزه با استبداد و تحجر دینی؛ ۲- اعتراض به تفتیش عقاید و تحدید آزادی بیان؛ ۳- محکومیت هجمه گسترده علیه جنبش دانش‌جویی؛ ۴- لغو نظارت استصوابی؛ ۵- آفازاده‌ها و چپاول نفت و بیت‌المال؛ ۷- محکوم کردن فعالیت اطلاعاتی تشکل‌های وابسته به ارگان‌های نظامی در دانشگاه؛...

لازم به یادآوری است که ۱۸ تیر ۱۳۷۸، سرآغاز شش روزی بود که پایه‌های پوسیده و ارتجاعی رژیم تروریستی جمهوری اسلامی را از بیخ و بن لرزاند.

بنا به گزارش روزنامه‌های ایران، ساعت ۴ صبح پنج‌شنبه ۱۸ تیر ۷۸، نیروهای انتظامی وارد خوابگاه دانش‌جویان شدند و با پتک و لگد در خوابگاه‌ها را شکستند، به درون اتاق‌ها گاز اشک‌آور پرتاب کردند و با فریادهای «یا حسین، یا زهرا» دانش‌جویان را از پنجره‌ها به بیرون پرتاب کردند. در این جریان صدها نفر از دانش‌جویان زخمی و یا دستگیر شدند.

روز ۲۱ تیر، خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، شیون راه می‌اندازد و مجبور می‌شود که بگوید: «چنین حرکاتی با هر نامی که انجام گیرد غلط و محکوم است. حادثه تلخ حمله به خوابگاه جوانان و دانش‌جویان قلب مرا جریحه‌دار کرد...». رییس دانشگاه تهران، منصور خلیلی عراقی، حمله به خوابگاه دانش‌جویان را «فاجعه ملی» نامید و گفت: «بارها در خلوت خود گریه کردم. متاسفم از این که چنین حوادثی در دانشگاه اتفاق افتاد. بسیاری از دانش‌جویان با لباس زیر بازداشت شدند». (روزنامه خرداد، ۲۲ تیر)

حوالی ظهر ۲۱ تیر، در حالی که موج عظیم جمعیت معترض به نزدیک میدان ولی عصر رسید نیروهای ضدشورش سعی کردند با پرتاب گاز اشک‌آور تظاهرکنندگان را متفرق سازند. در همین حال دو فروند هلی‌کوپتر پلیس با پرواز بر فراز میدان ولی عصر به هدایت نیروهای زمینی و کنترل اوضاع می‌پردازند. (روزنامه صبح امروز، ۲۲ تیر) از سوی دیگر یک خودروی متعلق به ماموران انتظامی از سوی تظاهرکنندگان واژگون می‌گردد. شلیک گاز اشک‌آور و تیراندازی سبب می‌شود تا تظاهرکنندگان وارد بلوار کشاورز شوند و به حرکت خود به سمت غرب این بلوار ادامه دهند. در ادامه یک فروند هلی‌کوپتر نیروی انتظامی، با کم کردن ارتفاع خود تلاش می‌کند حاضران را متفرق کند... (روزنامه نشاط، ۲۲ تیر) اما زد و خورد نیروهای ضدشورش با متحصنین در دانشگاه و دانش‌جویان و مردم در خیابان‌های فرعی محدوده دانشگاه تهران تا خیابان آزادی تا پاسی از شب رفته هم‌چنان ادامه پیدا می‌کند و در نتیجه چندین دستگاه اتوبوس شرکت واحد، باجه‌های بلیت فروشی، یک بانک و... به آتش کشیده می‌شود.

سه‌شنبه ۲۲ تیر، خیابان انقلاب هم‌چنان ناآرام است و ده‌ها هزار از مردم در این خیابان و همچنین خیابان‌های اطراف تجمع می‌کنند. دانش‌جویان، امروز نیز به راهپیمایی‌های خود ادامه می‌دهند و در مقابل حملات نیروهای انتظامی و «لباس شخصی»ها و انصار حزب‌الله مقاومت می‌کنند. از سوی دیگر «شبه نظامیان در حالی که مجهز به سنگ، چوب و قمه هستند در حمله به دانش‌جویان معترض، پلیس را کمک می‌کنند. دانش‌جویان هم در بیش‌تر موارد چاره‌ای جز عقب‌نشینی و پناه بردن به خوابگاه یا ساختمان‌های دانشگاه ندارند، برخی از آن‌ها نیز به خانه‌های

مجاور پناه می‌برند. گروه‌های فشار سوار بر اتومبیل و موتورسیکلت در خیابان‌های مجاور دانشگاه به پرسه زدن مشغول هستند. بوی گاز اشک‌آور در فضا پراکنده است و نفس کشیدن را مشکل می‌کند». (روزنامه نشاط، ۲۳ تیر) در حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر منطقه تحت کنترل صدها تن از انصار حزب‌الله و نیروهای انتظامی در می‌آید و این در حالی است که ده‌ها نفر از تظاهرکنندگان نیز دستگیر می‌شوند. (روزنامه صبح امروز، ۲۳ تیر) پس از این تظاهرات به صورت پراکنده در نقاط مختلف شهر تهران ادامه می‌یابد و تجمع‌هایی در تقاطع جمهوری - حافظ، مخبرالدوله، امام حسین، بازار، ناصر خسرو، چراغ برق، کوچه برلن و حوالی خیابان باقرخان صورت می‌گیرد.... با این همه تظاهرکنندگان در حوالی مخبرالدوله سه دستگاه اتوبوس و یک آمبولانس و یک اتومبیل تویوتا را به آتش می‌کشند. در حدود ساعت ۳ بعد از ظهر خبر می‌رسد که بازار بسته شده است و تیراندازی در اطراف آن به گوش می‌رسد. براساس برخی گزارش‌ها، بازار امروز نیز تعطیل خواهد بود. (روزنامه صبح امروز، ۲۳ تیر)

بعد از این همه بگیر و ببند و مقاومت قهرمانانه دانش‌جویان معترض در مقابل حملات وحشیانه گله‌های حزب‌الله و نیروهای انتظامی، رهبر، با ارسال پیامی فرمان سرکوب همه جانبه دانش‌جویان و حامیان را صادر می‌کند. در این «پیام» آمده است: «ملت بزرگ ایران مخصوصاً جوانان عزیز باید در کمال هوشیاری مراقب حرکات دشمن باشند و به طور کامل با ماموران همکاری کنند و عرصه را بر عناصر مزدور و خودفروخته دشمن تنگ نمایند و به خصوص فرزندان بسیجی‌ام باید آمادگی‌های لازم را در خود حفظ کنند و با حضور خود در هر صحنه‌ای که حضور آنان در آن لازم است، دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند». (روزنامه خرداد، ۲۴ تیر)

اگر در روزهای اول حمله به کوی دانشگاه، جناح موسوم به «دوم خرداد» از رییس جمهور تا برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، و روزنامه‌های طرفدار «دوم خرداد»، به یورش و وحشی‌گری پلیس انتقادی داشتند اما در روزهای آخر با اوج‌گیری و گسترش جنبش دانش‌جویی و حمایت مردم محروم و زحمتکش و آزادی‌خواه از این جنبش به وحشت افتادند و از خامنه‌ای رهبر تا خاتمی رییس جمهور و نیروهای انتظامی تا انصار حزب‌الله، دست به دست هم دادند تا با راه انداختن رعب و وحشت و سرکوب و کشتار رژیم‌شان را از خطر احتمالی نجات دهند.

در حوادث شش روزی که پایه‌های رژیم جمهوری اسلامی را لرزاند، علی‌رغم این که دانش‌جویان و مردم، جان‌فشانی تحسین‌آمیزی از خود نشان دادند، هزاران نفر از دانش‌جویان و مردم زخمی و یا زندانی شدند؛ حداقل دو دانشجو در تهران و تبریز جان باختند، اما بزرگ‌ترین ضعف آن هم‌سو نشدن این جنبش، با جنبش‌های دیگر از جمله اصلی‌ترین جنبش طبقاتی، یعنی جنبش کارگری است. اگر این جنبش‌ها سراسری و در ارتباط با همدیگر باشند و در حرکت‌های اعتراضی‌شان

همبستگی وجود داشته باشد قطعاً رژیم قادر نخواهد بود که به راحتی حرکت‌های عظیم اجتماعی آن‌ها را در هم بشکند. این بزرگ‌ترین ضعف خیزش جنبش دانش‌جویی در روزهای ۱۸ تا ۲۳ تیر ماه ۱۳۷۸ بود که امید است دست‌اندرکاران این جنبش‌ها چنین وضعی را بر طرف سازند و با بر طرف کردن این ضعف، مطالبات اساسی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، از جمله آزادی زندانیان دانشجو، آزادی همه زندانیان سیاسی، آزادی بیان، عقیده، تشکل، رعایت حقوق کودکان، بازنشستگان و برابری زن و مرد را به رژیم تحمیل سازند.

شعار، ۱۸ «تیر ماه ۱۶ آذر ماست!»، بعد از حمله نیروهای انتظامی به خوابگاه‌های دانش‌جویان، به شعارها افزوده شد. این روزها طرفداران احیای سلطنت در ایران، برای دانش‌جویان، اشک تمساح می‌ریزند و خود را مدافع جنبش دانش‌جویی و آزادی‌خواهی معرفی می‌کنند، در حالی که تاریخ نظام سلطنتی در ایران، تاریخ سرکوب و اختناق و دیکتاتوری بوده است.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، طرفداران سلطنت با حمایت «سازمان سیا»، توده‌های مردم و دانش‌جویان آزادی‌خواه و مترقی و چپ را شدیداً سرکوب کردند. روز ۱۶ آذر، سربازان گارد شاهنشاهی و «لباس شخصی‌های ساواکی»، برای سرکوب دانش‌جویان، دانشگاه تهران را محاصره کردند. سرانجام نیروهای انتظامی، دانش‌جویان را به رگبار گلوله بست و سه دانش‌جو، به نام‌های احمد قندچی، مصطفی بزرگ‌نیا و شریعت‌رضوی را به قتل رساندند. از آن پس ۱۶ آذر «روز دانش‌جو» نام گرفت. چند روز بعد از این واقعه هولناک، ستاد رکن ۲ لشکر ۲، افسران و درجه‌داران و سربازانی که دست به کشتار دانش‌جویان زده بودند مورد ترفیع درجه و پاداش نقدی قرار گرفتند.

بدین ترتیب، دانشگاه و دانش‌جو، هم در رژیم سلطنتی و هم در رژیم جمهوری اسلامی، مورد آزار و اذیت و سرکوب و کشتار ممتد قرار گرفته است. بنابراین بسیار طبیعی است که دانش‌جویان به عنوان قشر آگاه جامعه، از هر دو رژیم متنفر و منزجر باشند و خود را برای ساختن جامعه نوین برابر و آزاد، با جنبش کارگری و سوسیالیستی و آزادی‌خواه هم‌گام سازند تا بار دیگر جامعه ایران، گرفتار دیکتاتوری و آدم‌کشی «شاه» و «شیخ» نگردد.

مردم ایران، در انقلاب بهمن ۱۳۵۷، رژیم دیکتاتوری شاه را برای رسیدن به عدالت اجتماعی، رفاه و آزادی سرنگون کردند اما، بلافاصله با سرکوب خونین حاکمان جدید اسلامی روبه‌رو گردیدند و نتوانستند به اهداف عالی انسانی خود دست یابند. از این‌رو آرزوهای انسانی و سیاسی و اجتماعی جامعه ما، در تحقق شعارهای انقلاب بهمن، نه تنها هم‌چنان به قوت خود باقی مانده است بلکه، این بار مردم ایران، با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، به هیچ فرد و جریانی اجازه نخواهند داد که با سرنوشت و آزادی و برابری آن‌ها بازی کند. اکثریت مردم ایران، بی‌زار از اختناق و

دیکتاتوری رژیم سلطنتی و هارتر از آن رژیم جمهوری اسلامی، خواهان ساختن جامعه‌ای آزاد و برابر هستند که در آن جامعه، مردم مستیقماً تاریخ و سرنوشت خود را به دست خویش رقم می‌زنند.

دانشجویان نباید مرعوب تهدید و فشار گله‌های حزب‌الله و ارگان‌های سرکوبگر و سردمداران جمهوری اسلامی شوند. محمد خاتمی، به طور «مودبانه‌ای» مطبوعات را تهدید کرده است که موقعیت حساس کشور را در نظر بگیرند و دست از پا خطا نکنند، «خاتمی، سه‌شنبه شب ۱۲ آذر، مسئولان جامعه خبرنگاران و دست‌اندرکاران رسانه‌های جمعی را به درک موقعیت حساس کنونی کشور فراخواند». (روزنامه همشهری، چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۱)

مبارزه هفته‌های اخیر دانشجویان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش به وحشت انداخته است. این مبارزه، گامی در جهت مطالبات انسانی و اجتماعی بوده است، به همین دلیل این جنبش با خواسته‌ها و شعارها متنوع و اشکال مبارزاتی، باید مورد حمایت گرایش چپ و آزادی‌خواه جامعه قرار گیرد. این به نفع کل جنبش سرنگونی طلب است. اصولاً هر جنبشی گام به گام خواسته‌ها و مطالبات خود را ارتقا می‌دهد. اکنون جنبش دانش‌جویی نسبت به گذشته یک گام به پیش است.

جنبش دانش‌جویی، بعد از «انقلاب فرهنگی» سروش و بنی‌صدر و زیبا کلام، در سال ۵۹ و سرکوب وحشیانه ۱۸ تیر ۷۸، کمر راست کرده است و این جنبش تلاش می‌کند پرچم آزادی‌خواهی و مدرنیسم و مبارزه با ارتجاع مذهبی را بلند کند. در چنین وضعیتی این بستگی به مبارزه طبقه کارگر و کمونیست‌ها دارد که شعارها و مطالبات جنبش‌های توده‌ای از جمله جنبش دانش‌جویی را ارتقا دهند و به یک مبارزه عمومی علیه وحشی‌گری و جنایت و ظلم و ستم و اختناق و استثمار نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و سرنگونی آن مبدل سازند.

از سوی دیگر نفع جنبش دانش‌جویی در این است که صف خود را به طور کامل از صف فرقه‌ها و دار و دسته‌های «دوم‌خردادی»، از جمله «دفتر تحکیم وحدت» جدا کند؛ خواهان انحلال انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها و خروج نیروهای بسیج و انتظامی از مراکز آموزشی شود؛ تشکلهای مستقل خود را به وجود آورد و در کنار جنبش کارگری و آزادی‌خواهی قرار گیرد و برای سرنگونی کل رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی مبارزه هدف‌مندی را سازمان دهد.